



۱۴

نگاهی به مزاج طعم‌های مختلف و اثرات آن بر افراد

طعم‌ها هم مزاج دارند

گوگل می‌گوید قرار است به‌زودی تغییرات مهمی مبتنی بر یادگیری ماشین در شیوه رتبه‌بندی جست‌وجوهاش انجام دهد

تغییر طرز فکر گوگل

۱۵

پرونده مرمت عجیب قلعه پرتغالی‌ها در جزیره هرمز هنوز باز است

تخریب هنرمندانه



زندگی

سه‌شنبه :: ۶ آبان ۱۳۹۹ :: شماره ۵۷۸۸



۱۶

جامعه



یادداشت:
مهداد مال‌عزیزی
کارشناس شهری

جادادن یک فیل در فنجان

شهر تشکیل شده از محلاتی که به شکلی ارثی در طول تاریخ تدوین و رشد پیدا کرده است. تهران هم از یک هسته مرکزی آرام آرام رشد پیدا کرده تا حالا که به شکل یک کلانشهر ماهیت ویژه خود را یافته است. وقتی از یک شهر گران حرف می‌زنیم به این مفهوم نیست که این برجسب از ابتدا بر آن الصاق شده باشد. به همین دلیل هم مدیریت شهری موظف است که شهر را برای همه طبقات اجتماعی و صنوف متفاوت آماده کند. همین دلیل کافی است که نظریه «گران‌تر شدن شهر موجب مهاجرت معکوس می‌شود» را از مفهوم تهی شده بدانیم. این‌نگاه هر چند در سیاست‌های جاری دیده می‌شود اما در مدیریت یکپارچه شهری تعریفی با پشتوانه علمی ندارد. برای کاهش جمعیت شهرها یا مدیریت مهاجرت باید نگاه ویژه‌ای به طرح‌های آمایش جمعیتی داشت، به این مفهوم که به اسناد و طرح‌های بالادستی که توزیع ثروت وامکانات را به صورت عادلانه در سراسر کشور

تیین کرده است توجه کنیم. ضمن اینکه شهرداری‌ها نمی‌توانند برنامه‌های آمایشی ترتیب دهند و با گران‌تر کردن هزینه زندگی در شهر سبب خلوت شدن شهرها شوند. برای فهم این موضوع می‌توان شبیه‌سازی درستی در حوزه پزشکی داشت، معیار مهم تشخیص یک پزشک حاذق مجموعه آزمایش‌هایی است که برای بیمار تهیه می‌کند، به این مفهوم که نتیجه آزمایش در تشخیص بیماری آن فرد و تجویز دارو برای درمان تأثیر مهمی دارد. درباره چالش پیش‌رو هم همین مثال صدق می‌کند و سرچشمه همه این مشکلات همان آزمایشی است که هنوز صورت نگرفته است. هنوز پس از چهاردهه طرح آمایشی سرزمین در ایران انجام نشده است. طرح آمایش سرزمین تمام ویژگی‌ها، فرصت‌ها و قابلیت‌های یک بوم را تعریف می‌کند، ویژگی‌های آن را بررسی می‌کند و نقاط ضعف آن را می‌سنجد و بعد نشان می‌دهد که شرایط زندگی در هر نقطه از این سرزمین چگونه است. به مفهوم کلی این طرح یک شناخت درستی از یک سرزمین را به نسبت ثروت‌ها و منابع موجود در آن پیش‌روی ما معلوم می‌کند تا بتوان آدم‌ها را در شرایط درستی در آن اسکان داد. اما آیا تهران که ظرفیت جمعیتی آن در طرح‌های جامع دهه ۴۰ با رافاق به ۷ میلیون نفر می‌رسیده است چرا که منابع آن به اندازه این تعداد جمعیت بوده توان تاب‌آوری جمعیتی نزدیک به ۱۲ میلیون نفر را دارد؟ وقتی یک سرزمین بیش از ظرفیت خود جمعیت‌پذیری کند قاعده همه چیز به ویژه سرانه‌های شهرسازی به هم می‌ریزد. دیگر مدیریت شهری توان توزیع عادلانه امکانات و منابع را ندارد و عموماً هم زنجیره اقتصادی این مدیریت از هم می‌پاشد. نه تنها در تهران که این اتفاق در اغلب شهرهای بزرگ ایران افتاده است اما سوال مهم در این میان همین است که چرا طرح‌های آمایش سرزمین چهاردهه پیش متوقف شده است؟

گزارشگر: کورن هزینه زندگی در تهران نه تنها منجر به خلوت شدن پایتخت نشده که باعث افزایش حاشیه‌نشینی شده است / عکس: جام‌جم



کوچ به تهران کوچ از تهران

چرا حاشیه‌نشینی در تهران بیداد می‌کند و هنوز تب مهاجرت به این کلانشهر داغ است؟



میثم اسماعیلی
جامعه

بلبشویی است در پایتخت؛ تاخت‌کرنا در شهر و ناتوانی در مدیریتش را بگذارید کنار که ادامه سیاست‌های یک دهه گذشته در شهر حالا آرام آرام نشانه‌هایش را به رخ شهروندانش می‌کشاند. سیاست‌هایی معطوف به گران‌تر کردن هزینه زندگی در شهر به سودای خلوت شدن تهران، به امید اینکه خروجی این تصمیم حتماً که باید منجر به مهاجرت معکوس پایتخت‌نشینان باشد. امیدی که نه تنها نتیجه نداده که باعث افزایش جمعیت حاشیه‌نشینی تهران و آوار دیگر مشکلات به مدیریت شهری شده است. نه که فکر کنیم آمارهای منتشر شده از میزان حاشیه‌نشینی و افزایش آسیب‌های اجتماعی رای به شکست این سیاست‌ها داد که همچنان از سوی مدیریت شهری اصرار به ادامه سیاست گران‌شدن وجود دارد. آخرین نمونه‌اش رای به گرانی دوباره هزینه حمل و نقل شهری از سوی شورای شهر با این توجیه است که «حمل و نقل شهری هزینه‌بر است». پیش از این هم چنین نگاهی بر مدیریت شهری وجود داشت، از طرح اخذ عوارض از بزرگراه‌های شهری بگیرد تا طرح پیش‌فروش صندلی اتوبوس‌های شهری و پولی شدن عبور از تونل‌ها! مدیریت‌هایی که در نگاه مسوولان باید به کوچ‌فرا از تهران بینجامد و واقعیت آن است که به تورم مشکلات شهر انجامیده است.

آمارهای رسمی هم خط فقر در پایتخت را چهار و نیم میلیون اعلام می‌کنند، اگرچه گزارش‌های غیررسمی درآمد کمتر از شش میلیون در این کلانشهر را مساوی با قرارگیری در زیر خط فقر می‌دانند. پس چه عاملی است که همچنان افراد را مایل به حضور در پایتخت می‌کند؟ جعفری‌ای، آسیب‌شناس اجتماعی معتقد است مولفه اقتصادی دلیل مهمی در مهاجرت به پایتخت است اما تنها دلیل نیست و به همین دلیل اتخاذ تصمیم با محوریت گران‌تر شدن هزینه زندگی در پایتخت غیرعقلانی است. او به جام جم می‌گوید:

«این تصمیم سروشی بر ناکارآمدی اجرای تصمیم‌های عاقلانه‌ای است که باید انجام می‌گرفته است. به عنوان مثال باید پیش از این اقدام به توزیع عادلانه امکانات رفاهی در سراسر کشور می‌کردیم تا جاذبه مهاجرت به دلیل اشتغال یا امکانات برای شهروندان دیگر شهرها کم شود. تمرکزگرایی در تهران هم باعث تورم در جمعیت بوده و هم مشقت زندگی در این شهر را افزون کرده است. وقتی می‌گوییم مولفه‌های اقتصادی تنها عامل مهاجرت نیست به این دلیل است که بدانیم همانطور که درآمد افراد در

مردم گرفتار در تله‌های سکوتی

تمرکزگرایی بی‌رویه تهران در دهه‌های گذشته یکی از مهم‌ترین دلایل مهاجرت به تهران بوده است. حالا به گواه آمارهای اقتصادی بالغ بر نیمی از اقتصاد زیرزمینی و غیرمتشکل کشور، در تهران متمرکز است و عمدتاً نیز بر فضاهای فعالیت در گستره جنوبی شهر و فضاهای حاشیه‌ای آن شکل گرفته است، همین مورد جذابیت‌های چشمگیری برای هجرت فقرا از همه فضاهای عمدتاً بی‌رونق اقتصادی، از سراسر ایران فراهم آورده است و در سایه سیاست‌های انفعالی مدیریتی در حریم تهران، تشدید شده است. همین حالا تهران بیش از دویلمیلیون حاشیه‌نشین دارد و بر اساس نتایج مطالعات مجموعه شهری تهران، ۵۰ درصد از فقیرترین ساکنان مناطق تهران، حدود ۴/۵ ساعت صرف رفت و برگشت از محل کار می‌کنند! از حسین ایمانی جاجرمی، کارشناس شهری می‌پرسیم چه باید می‌شده که نشده است؟ او می‌گوید: «اگر دولت همان سیاست شهرهای جدید را که در دهه ۶۰ اتفاق افتاد دنبال می‌کرد و البته زیرساخت‌های لازم برای زندگی در آن شهرها را ایجاد می‌کرد مشکلی نداشتیم و باعث شکل گرفتن نوعی شهرنشینی متعادل در این زیست‌بوم می‌شد. اما مشکل این بود که سیاست‌های ایران در چند دهه گذشته پراکنده و مقطعی است و در راستای همدیگر نیست. در کنار آن اولویت‌های سرمایه‌گذاری هم مشخص نیست به عنوان مثال ما باید در تهران روی قطارهای عمومی هزینه می‌کردیم نه بزرگراه‌سازی. اجرای این سیاست‌های شلخته باعث شده است مردم در تله‌های سکوتی بیفتند.»

با داشتن چنین امکاناتی با کیفیت بالاتری در حومه شهر با حمل و نقل عمومی ارزانی رو به رو بودند. آنطور که این کارشناس شهری می‌گوید مسوولان مهیوت اجرای چنین تصمیم در کشورهای دیگر شده‌اند آن هم بدون اینکه زیرساخت‌های لازم آن را در نظر بگیرند. جاجرمی به جام جم می‌گوید: «به نظر می‌رسد برخی از مسوولان با رفتن به سفرهای خارج از ایران و تنها با دیدن پوسته ظاهری لوکس این شرایط و بدون فهم و درک درستی از زیرساخت‌های لازم برای آن تصمیم به اجرای آن تصمیمات در ایران می‌کنند. در حالی که از تهیه حداقلی از آن زیرساخت‌ها در ایران عاجز هستند و با این تصمیمات فقط زندگی را به کام مردمانشان تلخ‌تر می‌کنند.»

حاشیه‌نشینی و گم‌گشتگی هویتی «مهاجرت معکوس» حالا ایده آل سیاست‌گذارانی است که چون نتوانسته‌اند به درستی بستر آن را فراهم کنند حالا به اجبار قصد پیاده‌سازی آن را دارند. اما خیال خام مهاجرت معکوس باعث تشدید آفت دیگری هم شد، به این مفهوم که نه تنها رغبت به رفتن از تهران شکل نگرفت که باعث کوچ فقرا به حاشیه تهران شد. بسیاری از آسیب‌شناسان اجتماعی هم معتقدند زمانی که هزینه‌های زندگی در شهر تهران افزایش پیدا می‌کند جمعیتی که از روستاها و شهرهای مختلف به تهران مهاجرت کردند به جای بازگشت به شهر و روستای خود در حاشیه شهر تهران ساکن می‌شوند. طبیعی است که این مهاجرت مشکلات شهر را افزایش می‌دهد چرا که اگر به زادگاه اولیه خود باز می‌گشتند مشکلاتی برای شهر تهران به وجود نمی‌آمد اما زمانی که این افراد به حاشیه تهران مهاجرت می‌کنند قطعاً عواقبی را به دنبال خود دارند. این عواقب اما چیست؟

جعفر بای آسیب شناس اجتماعی به جام جم می‌گوید: «در حال حاضر بسیاری از افراد با ملاحظات اندکی ترجیح می‌دهند در حاشیه تهران کنند اما از آن نعمات اقتصادی تهران به واسطه درآمدهای بیشتر بهره‌مند شوند. اما همین حاشیه‌نشینی خود به خود باعث ایجاد نابهنجاری‌هایی در شهر می‌شود. بستر تولید یا کانون اصلی آسیب‌های اجتماعی در حاشیه‌ها شکل می‌گیرد. یکی از مصادیق آن هم گم‌گشتگی هویتی افراد در حاشیه است. در روستاها یا شهرهای کوچک افراد به واسطه داشتن اصالت یا هویت بومی، خود به خود باعث شکل گرفتن یک نوع نظارت اجتماعی می‌شود که حاشیه‌نشینی این نظارت را از بین می‌برد و کنترل به واسطه مردم که عالی‌ترین و اخلاقی‌ترین نوع کنترل است قربانی حاشیه‌نشینی می‌شود و همین جاست که بستر فراهمی برای بزهکاری‌های اجتماعی شکل می‌گیرد.»



info@jamejamdaily.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۱۴۷

● ظلم - جرمه

جمشیدی از تهران:

مدت‌هاست که پیامک‌های اشتباه راه‌ور برای بسیاری از شهروندان ارسال می‌شود اما هیچ جوابی از سوی مسوولان شنیده نمی‌شود. الان برای من که یک معلم بازنشسته هستم پیامک اشتباه جرمه آمده است و به هر کجا هم که مراجعه کرده‌ام جواب سربالا شنیده‌ام. این یک ظلم آشکار به شهروندان است.

● کمبود - دارو

قنادزاده از ساری:

مردم شرایط تحریم‌ها را درک کرده و می‌کنند اما از سوی دیگر وضعیت کرونا هم به نوعی است که تاب و توان مردم را بریده است. در رسانه‌ها همیشه حرف از این است که درباره دارو و تأمین آن مشکلی نداریم اما در خیابان و شهر حکایت دیگری است. ما برای پیدا کردن یک سرم قندی در روز در داروخانه‌های شهر و اطراف سرگردان بودیم.

● جوابیه

در پی درج پیامی با عنوان «ریختن زباله‌ها در انهار توسط پاکبانان و نیروهای خدماتی» مشاور و مدیرعامل و مدیر روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان مدیریت پسماند شهرداری شهر تهران با ارسال نمابری اعلام کرد: همانطور که همه شهروندان محترم می‌دانند جوی آب مکان مناسبی برای دورریختن پسماندها نیست و برای این کار در سطح شهر مخازن پسماند و در کنار مراکز تجاری و مغازه‌ها نیز سطل‌های مخصوص استقرار یافته است. پاکبانان محترم نیز که خود وظیفه لایروبی جوی‌ها را بر عهده داشته و مانع آبرگفتگی کانال‌ها و آبروهای شهری می‌شوند، اگر سهواً زباله‌ای هم داخل جوی بریزند خود نظافت و لایروبی آن را انجام می‌دهند، اما متأسفانه برخی شهروندان محترم در مشاغل مختلف یا عابران، جوی آب کنار خیابان را محلی برای انباشت پسماند تصور می‌کنند و بدون در نظر گرفتن پیامد این کار اشتباه و فقط برای خلاصی سریع از زباله‌های تولیدی خود آن را در جوی‌های آب مسیر رها کرده و مخازن مستقر در سطح شهر را نادیده می‌گیرند. امید است با تقویت مشارکت شهروندی و مسوولیت‌پذیری و دلسوزی عمومی بین شهروندان این رفتار اشتباه اجتماعی ریشه‌کن شود.